

## طلاق: آیا سدها فرو ریخته‌اند؟

هفته گذشته بار دیگر مسوولان سازمان ثبت احوال خبر از افزایش طلاق در شش ماهه سال جاری در مقایسه با سال گذشته دادند.



سلامت نیوز: هفته گذشته بار دیگر مسوولان سازمان ثبت احوال خبر از افزایش طلاق در شش ماهه سال جاری در مقایسه با سال گذشته دادند. حالا روند افزایش طلاق و کاهش ازدواج به‌عنوان پدیده‌ای جاری در حوزه اجتماعی محسوب می‌شود و البته با توجه به شاخص‌هایی که در قانون اساسی و سایر اسناد از جمله برنامه‌های توسعه به آن اشاره شده، این پدیده امری نامطلوب و مذموم و به‌عنوان یک مشکل اجتماعی باید به شمار آید. در اصل دهم قانون اساسی آمده: از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوطه باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

با چنین رویکردی مسوولان امر و دولت نمی‌توانند نسبت به روند موجود ازدواج و طلاق بی‌تفاوت باشند یا آن را امری عادی قلمداد کنند. در فصل اول قانون اساسی که تحت عنوان اصول کلی آمده، روح این قانون و سیاست‌های کلی حاکم بر نظام توضیح داده شده و بر این اساس برنامه‌های دولت و سایر ارکان نظام نباید این سیاست‌ها را نقض کنند.

پدیده طلاق را مثل هر مشکل اجتماعی دیگری می‌توان در سه مرحله &#171#؛ قبل از وقوع؛ و وقوع؛ و پس از وقوع؛ بررسی کرد. در مرحله قبل از وقوع سوال مهم و اساسی که باید به آن پاسخ گفت چرایی تمایل به طلاق از سوی یکی یا هر دو طرف طلاق است. پاسخ این سوال تا حدود زیادی به سیاست‌ها و برنامه‌های دولت مرتبط می‌شود. در واقع وضعیت اجتماعی اقتصادی همواره گروهی از مهم‌ترین دلایل طلاق را تشکیل داده است. به‌عنوان مثال یکی از محققان با استفاده از داده‌های مربوط به طلاق و بیکاری در یک دوره 40 ساله (1345 تا 1385) برای ایران نشان داده که ارتباط بین طلاق و بیکاری معنادار است.

مطالعات گسترده دیگر نیز رابطه سایر عوامل اقتصادی اجتماعی مثل فقر و نابرابری و طلاق را مورد تایید قرار داده‌اند. بنابراین برای پیشگیری از طلاق قبل از وقوع آن باید عوامل تعیین‌کننده اجتماعی طلاق مثل عوامل اقتصادی مورد اشاره یا عوامل اجتماعی از جمله تبعیض جنسیتی، نظام حقوقی مردسالار و مواردی از این‌گونه را اصلاح کرد و این به معنای ضرورت اصلاحات اساسی در برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی جاری در هر سه قوه مقننه، قضاییه و مجریه است.

طلاق یک حادثه نیست، یک فرآیند است. یعنی در یک دوره زمانی یک تا دو ساله از بروز اولین اختلاف تا صدور حکم طلاق و جدایی رخ می‌دهد. در این دوره نیز پاره‌ای اقدامات می‌تواند به توقف فرآیند یا برعکس تسریع آن منجر شود. به‌عنوان مثال تشدید بحران‌های اقتصادی و بسته شدن راه‌ها برای تامین معیشت خانواده یا از آن مهم‌تر ثبات وضعیت اقتصادی می‌تواند به اضمحلال خانواده یا بقای آن منجر شود. از این گذشته کارآیی سازمان‌های مسوول نیز در این زمینه نقش مهم و اساسی دارد. از وظایف این سازمان‌ها در این دوره ارایه خدمات مشاوره و سلامت روان برای متقاعدسازی طرفین برای برگشت به زندگی مشترک است.

وقتی طلاق محقق شد، زن و شوهری که از هم جدا شده‌اند در برابر کوه عظیمی از مشکلات قرار می‌گیرند. در این شرایط آنها نه تنها زندگی خانوادگی که گاه زندگی فردی خود را نیز در معرض نابودی می‌بینند. &#171#؛ وحشت؛ و ماتم و غم؛ و &#171#؛ کنار آمدن و زندگی مجدد؛ و &#171#؛ تجدید حیات روانی اجتماعی؛ و چهار مرحله‌ای هستند که به لحاظ روانی افراد جدا شده طی می‌کنند و آنان برای طی این مسیر نیازمند کمک و پشتیبانی دیگران هستند. گاه آنان شانس آن را دارند تا مورد حمایت والدین و خانواده‌ها قرار گیرند اما در حوزه برنامه‌ریزی اجتماعی، سازمان‌های دولتی به‌ندرت در این مرحله خدماتی ارایه می‌دهند. مطالعات نشان می‌دهد افراد مطلقه پس از جدایی با مشکلات جدی مواجه می‌شوند:

- آسیب‌پذیری زنان از پیامدهای طلاق بیشتر از مردان است.

- مشکلات اقتصادی تاثیر مشابهی بر زنان و مردان دارد.

- نگرانی زنان از آینده اقتصادی خود و فرزندان شان بیشتر از مردان است.

- مردان و زنان هر دو از ازدواج مجدد بیزارند.

- زنان بیشتر از مردان در معرض انواع اختلالات روانی قرار می‌گیرند.

- زنان بیشتر از مردان مورد طرد و انزوای اجتماعی قرار می‌گیرند.

قرار گرفتن در چنین شرایطی، احتمال سوق یافتن زنان و مردان مطلقه به شرایط به مراتب نامطلوب‌تر را فراهم می‌کند؛ وضعیتی که می‌تواند سرنوشت و تمامی زندگی آنان را تهدید کند. اگرچه روند نامطلوب افزایش طلاق و کاهش ازدواج نگران‌کننده است اما نادیده گرفتن و نبود حمایت‌های لازم از کسانی که جدا شده‌اند نیز می‌تواند به‌زودی جامعه ایران را در برابر تهدیدهای جدید و مهمی قرار دهد.

منبع: روزنامه شرق